

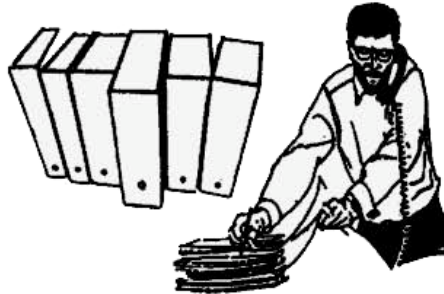


سلسله درسهائی

از

آیت الله العظمی منتظری

(قسمت سوم)



## حسبه و شرایط محتسب\*

ابن اخوة در معالم القرية بابهای زیادی ترتیب داده و در آن وظائف محتسب را در رابطه با شغلش بطور مفصل مورد بحث قرار داده است که ما به پاره‌ای از مطالب آن به صورت فشرده اشاره می‌کنیم:

□ ۱ - حسبه بر وسائل و آلات کارهای حرام و شراب

اگر پیش کسی آشکارا شراب دیده شود، در صورت مسلمان بودن او، محتسب باید شراب او را بر زمین ریخته و او را تنبیه تأدیبی نماید و در صورت ذمی بودن، او را به جهت علنی کردن شراب، تأدیب می‌نماید. ولی در مورد زمین ریختن و از بین بردن شراب کافر ذمی میان فقهاء اختلاف نظر وجود دارد.

محتسب باید از فروش آب انگور به کسی که از آن شراب می‌سازد، جلوگیری کند زیرا این کار اعانت بر معصیت بوده و مانند این است که کسی اسلحه را در اختیار راهزنان مسلح و یا دشمنان اسلام قرار دهد.

❦ - متن عربی این سلسله درسه‌ها از طریق دفتر حضرت آية الله العظمی منتظری

در اختیار دفتر مجله قرار گرفته و ترجمه آن بوسیله این دفتر انجام می‌گیرد.



اگر مسلمان عاقلی که به حد بلوغ رسیده، به اختیار خودش شراب بخورد، اجرای حد بر او واجب است.

اما در مورد استفاده علنی از وسائل و اسباب سرگرمی های حرام مانند نی و تنبور و عود و چنگ و نظایر آن، محتسب باید آنها را به نحوی باز کرده و تبدیل به چوب نماید که در موارد دیگر مورد استفاده قرار گیرد، و مرتکبین را تأدیب نماید و در صورتی که چوب آنها در موارد دیگر قابل استفاده باشد نباید آنها را شکسته و از بین ببرد و در مورد بتها نیز به همین ترتیب عمل می‌کند.

محتسب می‌تواند از انجام علنی بعضی از مباحات مانند نزدیکی مرد با همسرش در میان مردم نیز جلوگیری کند.

اما آن قسمت از کارهای خلاف و حرام که مخفیانه و دور از چشم مردم انجام می‌شود، محتسب نمی‌تواند درباره آنها به جستجو پرداخته و آنها را افشاء نماید.

رسول خدا می‌فرماید: کسانی که کارهای حرام را مرتکب می‌شوند، اگر بطور پوشیده و مخفیانه آنرا انجام دهند، در این صورت به علت آنکه خداوند گناه آنان را پنهان داشته و آنرا افشاء نمی‌کند، باید از افشاء آن خودداری کرد ولی اگر ارتکاب آنان علنی باشد حد خدا درباره آنان جاری می‌گردد.

حکایت شده است که روزی عمر بن خطاب بر گروهی وارد شد که شراب خورده و در میخانه آتش افروخته بودند، بدانها گفت شما را از خوردن شراب نهی کرده بودم که آنرا می‌خورید و از فروختن آتش در میخانه بازداشته بودم که به آن مبادرت ورزیده‌اید! آنان در جواب گفتند خداوند ترا از تجسس در کارهای پنهانی بازداشته بود که بدان مرتکب شدی و از داخل شدن در خانه‌های مردم بدون اجازه آنان نهی کرده بود که بدان دست زده‌ای!

عمر در جواب گفت این دو گناه من در مقابل آن دو گناه شما و از آنجا خارج شد و آنان را تحت پیگرد قرار نداد.

اگر در خانه‌ای آواز لهو و لعب بلند شده و چنین به نظر برسد که اهل خانه تظاهر بدان کار می‌نمایند، محتسب تنها از بیرون خانه به آنها اخطار کرده و آنان را به قطع آن صدها دستور می‌دهد و نمی‌تواند داخل خانه شود زیرا محتسب وظیفه دارد که از گناهان علنی جلوگیری نماید و در این مورد، قسمت علنی گناه همان آوازه‌ها بودند که از بیرون خانه به گوش می‌رسید و افشاء بیش از این بر او جایز نیست.



۲ - حسبہ بر اہل ذمہ

سهل انگاری با اهل ذمہ در امور دینی بسیار خطرناک است<sup>۱</sup> خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ... وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود نپنداشته و با آنان با محبت رفتار نکنید... من بر آشکار و نهان شما آگاهم و اگر کسی چنین کند (دشمنان خدا و دشمنان ملت اسلام را دوست خود بگیرد) از راه راست منحرف شده است.

بنابراین بر محاسب واجب است که اهل ذمہ را دقیقاً زیر نظر داشته و آنان را به رعایت مقررات و شرائطی که دولت اسلامی بر آنان مقرر داشته و به رعایت آنچه که آنان خودشان را بر انجام آن ملتزم کرده‌اند، واداشته و آنان را در ترک چیزی از آن شرایط - نه در گفتار و نه در عمل - رخصت ندهد.

محاسب آنان را از احداث کلیساها و کنیسه‌ها در کشور اسلامی بازمی‌دارد و از آنان به اندازه توانائی مالیشان جزیه می‌گیرد و در جزیه، التزام به دستورات حکومت اسلامی شرط شده است.

۳ - حسبہ بر متصدیان امور اموات و مراقبت بر امور تجهیز و غسل دادن و کفن کردن و نماز بر میت و دفن آن، با همکاری نزدیکان و بستگان میت.

۱ - اهل ذمہ بایستی در کشور اسلام از طرف محاسب کنترل شوند که آیا به شرایط ذمہ عمل می‌کنند یا نه؟ تا پیش نیاید که یک وقت متوجه شویم کشور را قبضه کرده باشند، همانظری که در تسلط یهود بر فلسطین، علت همین بود و با اینکه عتة یهود خیلی کم بودند ولی کم کم در اثر تشکیلاتی که داشتند، دیگر یهودیان را تشویق کردند که به فلسطین رفته و در آنجا زمینهای مردم و جاهای حساس را با قیمت ارزان از دستشان در آورند، و با اینکه زمینهایی که متملک شده بودند در حدود ۰/۰۶ زمینهای فلسطین بود، مع ذلک حکومت آنجا را به دست گرفتند.

و از طرف دیگر قبضه کردن اقتصاد، مقدمه قبضه کردن سیاست و فرهنگ است، یکی از دوستان نقل می‌کرد که زمانی که رضاخان تصمیم به احداث دانشگاه تهران در محل فعلی آن کرد، یکی از یهودیان ساکن همدان از این قضیه مطلع شد و برای اینکه دانشگاه در آینده مرکزیت پیدا خواهد کرد، از همدان به تهران آمده و در پی خرید زمینهای اطراف دانشگاه بود.

پس باید اهل ذمہ کنترل شوند که در چهارچوب آزادی که اسلام به آنان داده، زندگی کنند و از این چهارچوب خارج نشوند.

۲ - سوره متحنه آیه ۱.



محتسب باید از مردان و زنان فقط افراد مورد اعتماد و امین و باصلاحیت و آگاهی که کتاب مربوط به جنائز از دیدگاه فقهی را خوانده و بر واجبات و مستحبات امور آن آگاه هستند، بر تصدی امور مردگان بگمارد.

و موقعی که جنازه را برای دفن از خانه بیرون می‌آورند به زنان تشییع‌کننده دستور می‌دهد که دنبال مردان حرکت کنند و داخل آنان نشوند و آنان را از بازکردن سر و صورتشان در دنبال جنازه بازمی‌دارد و این مسائل را قبلاً به وسیله متادی به اطلاع مردم می‌رساند و بهتر آن است که آنان را از تشییع جنازه بازدارد.

و اگر از وجود زن نوحه‌گر یا خواننده و یا زناکاری اطلاع پیدا کرد آنان را به توبه از گناهانشان وامی‌دارد و در صورتی که آنان پس از توبه دوباره مرتکب گناه شوند آنان را تنبیه تأدیبی کرده و از شهر بیرون می‌کند.

□ ۴ - دیگر از وظائف محتسب، جلوگیری از حضور و ایستادن مردم در جاهائی است که موجب بدگمانی بوده و آنان را در معرض اتهام قرار می‌دهد. و در مرحله اول آنان را از حضور در چنین جاهائی بازمی‌دارد هرچند که به تأدیب پیش از اخطار و آگاهی دست نمی‌زند.

و اگر مردی را با زنی در راه عمومی ببینند و نشانه‌هایی که دلالت بر خلاف کاری باشد از آنان به چشم نخورد، کاری به کار آنها نداشته و با اعتراض و یا بازداشتن از حرکت، متعرض آنها نمی‌شود، زیرا مردم گاهی ناگزیر از چنین کاری هستند. و بر محتسب لازم است از جاهائی که زنان در آن اجتماع می‌کنند از قبیل بازارهای پنبه و کتان و کنار چشمه‌ها و در حمام‌های زنانه و مانند آن، سرکشی نماید.

و اگر جوانی را در حال حرف زدن با زنی ببیند که موضوع صحبت آنان در مورد خرید و فروش نمی‌باشد (یعنی صحبت آنان براساس روابط نامشروع دور می‌زند) و یا اینکه ایستاده و چشم چرانی می‌کند او را تأدیب نموده و از ایستادن در آنجا بازمی‌دارد. و بر کسی جایز نیست که از پشت بام و یا پنجره و غیره به همسایگان نگاه کند و نیز جایز نیست که مردان در مسیر رفت و آمد زنان، بدون اینکه کار لازمی داشته باشند بایستند. محتسب کسانی را که چنین کارهایی را انجام دهند تأدیب می‌کند.

□ ۵ - یکی دیگر از وظائف محتسب نظارت بر عقود و معاملات و جلوگیری از خرید و فروشهای نامشروع و غیرقانونی و ربا و اجاره و شرکت غیرقانونی و امثال آن و همچنین جلوگیری از احتکار است زیرا که احتکار حرام و نامشروع بوده و احتکارکننده ملعون است.



و بر محتسب روا نیست که بر اجناس، تعیین قیمت نماید زیرا که قیمت گذاری به دست خدا است و اگر به چنین کاری جز در ایام قحطی دست بزند کار حرامی را مرتکب شده است، زیرا که در عصر رسول خدا (ص) قیمت کالاها بالا رفت و مردم به آن حضرت گفتند یا رسول الله برای اجناس قیمت تعیین کن، حضرت فرمودند که خدا است که اجناس و ارزاق را فراوان یا کم می‌کند و او است که روزی می‌دهد و قیمت تعیین می‌کند و امیدوارم در حالی در پیشگاه خدای بزرگ حاضر شوم که کسی از من، در مورد ظلم بر جان یا مال، مطالبه‌ای نداشته باشد.

محتسب باید از رواج یافتن پولهای تقلبی و همچنین از تبلیغ و توصیف جنس در صورتی که واقعیت نداشته باشد، جلوگیری نماید.

۶ □ - دیگر از وظائف محتسب جلوگیری از بکارگیری ظروف طلائی و نقره‌ای و همچنین جلوگیری از آراستن کعبه و مساجد با چراغهای طلائی و نقره‌ای و جلوگیری مردان از پوشیدن لباسهای ابریشمی و مزین به طلا می‌باشد.

۷ □ - و دیگر از وظائف محتسب نظارت بر کارهای ناروای اهل بازار است.

مثلاً بر احدی از بازاریان جایز نیست که در راههای تنگ (متاع خود را عرضه داشته و در آنجا) بنشیند و سد معبر کنند و نیز جایز نیست که ویتترین دکان خود را بیشتر از پایه‌های سقف به بیرون آورده و موجب ضیق معبر شود، زیرا موجب تعدی بر حقوق عمومی می‌شود، و همچنین بیرون آوردن ساختمان دکان از حد معمول و تعبیه روزنه و نصب دکه در راههای تنگ و هر کاری که موجب اذیت و یا باعث وارد آمدن ضرر و خسارت بر رهگذران باشد و همچنین بستن چهارپایان در راهها، بطوری که موجب تنگی راه گردیده و مانع عبور و مرور شود حرام و جلوگیری از آن واجب است.

و نیز ریختن زباله در راهها و ریختن پوست هندوانه یا پاشیدن آب بطوری که احتمال لغزیدن و زمین خوردن مردم برود و همچنین سرازیر کردن آب ناودانها و رهانمودن آب باران در کوچه‌های تنگ، بدون اینکه آنها را جاروب کنند، جایز نیست.

و محتسب از عبور چهارپایان آب بر و حمل هیزم و گاه و جوالهای سرگین و خاکستر و بارهای خار در کوچه - اگر باعث کثیف شدن یا پارگی لباس مردم شود - باید جلوگیری کند، البته اگر مردم به چنین چیزهایی احتیاج داشته باشند از آوردن آنها از راههای باریک جلوگیری نخواهد شد، هر چند که اگر آوردن اینها از راههای وسیع ممکن باشد باید از آن راهها بیاورند.



۸ - و دیگر از وظائف محتسب، کنترل و بررسی پیمانها و وسائل اندازه گیری و ترازوها و وزنه ها و دیگر اوزان مختلف مثل درهم و امثال آن است.  
محتسب به کسبه ای که ترازو دارند، دستور می دهد که همیشه آن را از روغن و کثافت تمیز کنند و همچنین از تمامی فروشندگان و وسائل کار آنان، مراقبت به عمل می آورد.

۹ - محتسب، علافان و آسیابانان و بازرگانان ارزاق را نیز زیر نظر می گیرد و از احتکار آنان و مخلوط کردن جنس خوب با بد و کهنه با تازه جلوگیری می کند.  
و آسیابانان را موظف می کند که گندم را غربال کرده و آن را از خاک و غبار و گل و... پاک نمایند و آرد را آزمایش می کند زیرا گاهی در آن، آرد «نخود» و یا «باقلا» مخلوط می کنند تا بر سفیدی آن بیفزایند و این کار خیانت است و کسانی را که دست به چنین کارهایی می زنند منع و تأدیب می کند و همچنین آنان را از آسیاب کردن گندم بلافاصله پس از تراشیدن سنگ آسیاب بازمی دارد چون مخلوط شدن ذرات کوچک سنگ - که از آسیاب تازه جدا می شود - با آرد موجب مریضی مردم می شود.  
و صاحبان حیوانات بارکش باید در بکارگرفتن آنها خدا را در نظر بگیرند و آنها را در هر شبانه روز به اندازه احتیاجشان برای استراحت رها سازند.

۱۰ - حسب بر نان پزان و نانویان.

محتسب به نان پزان و نانویان دستور می دهد که سقف تنور را بالا برده و دود کشهای فراخی بر آن تعبیه نمایند و همچنین دکان نانوائی را جاروب کرده و ظروف خمیرگیری را شسته و پاکیزه دارند.

و سازنده خمیر هرگز نباید خمیر را بد پاها و یا زانوها و آرنجهای خود درست کند زیرا این کار توهین به غذا است و چه بسا ممکن است قطرات عرق بدنش روی خمیر بیفتد، و خمیرگیر باید در موقع کار، جامه ای با آستین های تنگ پوشیده و بر دهانش نیز پارچه ای ببندد زیرا ممکن است در موقع حرف زدن و یا عطسه کردن، آب دهان و یا خلط بینی اش در خمیر بیفتد، و نیز باید بر پیشانی خویش دستار سفیدی ببندد تا اگر عرق کرد از افتادن آن در خمیر جلوگیری کند و همچنین باید موهای بازوان خود را بگیرد تا چیزی از آن در خمیر نیافتد و در صورتی که خمیر را در روز درست می کند باید کسی همراه داشته باشد که تا با مگس پران، مگسها را از آن جا دور کند.

محتسب باید نانواها را ملزم کند تا نان را پیش از عمل آمدن خمیر نپزند زیرا چنین نانی در





ترازو سنگین و برای معده ثقیل است و به آنان دستور می‌دهد نان را نسوزانند و یا آن را قبل از پخت کامل از تنور بیرون نیاورند و همچنین باید بر طرز کار بریانگران و کله‌پزها و هریسه‌سازان و ماهی‌پزها و لکانه‌پزان و تهیه‌کنندگان انواع غذاها و شیرینی‌ها و ماست‌بندان و فروشندگان دارو و گیاهان دارویی، از نظر پاکیزگی و سالم بودن آن و حسن انجام کار و خیانت نکردن، مراقبت نماید.

#### ۱۱ - حسبه بر سلاخان و قصابها

محتسب باید کار سلاخها و قصابها را زیر نظر بگیرد تا شرایط سربریدن و پی کردن را مراعات نمایند و با ذبح گوسفند در راهها و سردرد کانهایشان، محیط را به نجاست و کثافت نکشاند و شقه‌های گوشت را چنان نیاویزند که از حد سکوی دکانشان بیرون زند. محتسب باید به آنان دستور دهد تا گوشت بز را از گوشت گوسفند جدا کرده و به آنها علامتی بزنند و آنها را به هم مخلوط نکنند، و پیه بز را با پیه گوسفند و گوشت حیوان چاق را با لاغر و تر را با ماده و سالم را با مریض مخلوط ننمایند.

#### ۱۲ - حسبه بر بزها و فروشندگان لباس و قماش و کالاهای تجارتنی

به جز کسانی که آگاهی کافی از مقررات و احکام خرید و فروش و عقود و معاملات دارند و نوع حرام آن را از نوع حلالش تشخیص می‌دهند، حق اشتغال به این کارها را ندارند. بازرگانان این کالاها باید از معاملات حرام دوری گیرند و تمامی عیوب جنس مورد فروش - از نوع پنهانی و آشکار آن - را به خریدار بگویند که پنهان داشتن عیب جنس ستم و خیانت بوده و خیانت هم حرام است.

#### ۱۳ - حسبه بر صرافان

اداره کردن زندگی و تأمین هزینه‌های زندگی از راه صرافتی برای دیانت مشتغلین به این کار بسیار مخاطره‌آمیز است.

محتسب باید بازار آنان را زیر نظر بگیرد و در کار آنان بازرسی کند اگر به مواردی برخورد که در آن معامله‌ای از طریق ربا یا شیوه‌های غیر مشروع و غیر قانونی انجام گرفته، مرتکبین را تأدیب کرده و در صورت تکرار، او را از بازار اخراج نماید.

#### ۱۴ - حسبه بر دلالها

نباید کسی به شغل دلالی بپردازد مگر آنکه در حضور محتسب، اشخاص مورد اعتماد و ثقة - آنانکه حاکم شرع شهادت آنان را می‌پذیرد - صلاحیت و دیانت و امانت و صداقت و مورد اعتماد بودن او را تأیید و بر آن گواهی دهند زیرا مردم اموال خود را در اختیار آنان قرار



می‌دهند و آنان را در خرید و فروش امین می‌دانند.

بر دلایل روا نیست که از پیش خود بر کالا بیافزاید مگر آنکه خود بازرگان چنین کند و همچنین نمی‌تواند با (خریدار جنس و) بزاز شریک شود و نمی‌تواند جنس را برای خود خریده و به بازرگان چنین وانمود کند که دیگران خریده‌اند و همچنین نمی‌تواند محرمانه با کسی به منظور خریدن کالا توطئه و سازش بکند.

چنانکه دلال در کالا بوجود عیبی پی برد، واجب است آن را بر مشتری اعلان کند و محتسب باید وجود تمامی این صفات را در دلالان شرط کند.

۱۵ - حسب بر خیاط‌ها و رفوگرها و لباس‌شویان و رنگ‌رزان، پنبه‌فروشان و مسگران و آهنگران و کنده‌کاران و ریخته‌گران و کفش‌دوزان و سازندگان کلاه و غیر آن از صاحبان حرفه و صنعت.

محتسب، بدانان دستور می‌دهد که کار خود را به بهترین طرز ممکن انجام داده و امانت و انصاف را رعایت نموده و از خیانت و دزدی کنار باشند.

۱۶ - حسب بر پزشکان و سرمه‌سازان و جراحان و شکسته‌بندان و حجامت‌گران و ختنه‌کنندگان و دامپزشکان.

محتسب، سطح عملی و خیرویت و دقت در کار و بکار گرفتن وسائل خوب و انصاف در دستمزد و... از آنان را زیر نظر می‌گیرد.

پزشک کسی است که به ترکیب بدن و مزاج و اثرات خاص اعضاء و به امراضی که در بدن پیدا می‌شوند و علل و اسباب پیدایش آن و عوارض و علائم بیماری و به داروهای مفید در مداوای امراض و به مشابه داروهای کم‌یاب آشنائی کامل داشته باشد.

و کسی که چنین خیرویستی نداشته باشد، حق معالجه بیماران را ندارد و نباید در کاری که تخصص ندارد دخالت نماید، رسول خدا (ص) فرموده‌اند:

کسی که طبابت کند در حالی که وارد به علم طب نباشد در مقابل ضررها و صدقات ناشی از عمل خود، ضامن است. (سنن ابن‌ماجه ح ۳۴۶۶)

شایسته است که در هر شهری از خود پزشکان، رئیسی برای آنان تعیین شود، حکایت شده است که پادشاهان یونان در هر شهری پزشک معروف و متخصصی را به ریاست پزشکان می‌گماردند و بقیه پزشکان شهر را زیر نظر او قرار می‌دادند و او آنها را امتحان می‌کرد و کسانی را که پائین‌تر از مرتبه پزشکی می‌دید، دستور می‌داد که مداوا نکرده و به تحصیل خود ادامه دهند.





۱۷ □ - حسبہ بر حَمَامِ های عمومی و کارکنان آن:

حکیمی چنین گفته: بهترین حمام آن است که ساختمان آن قدیم و فضای آن باز و وسیع و آبش شیرین باشد.

و حمام را فواید و زیان‌هایی بسیار است.

ابن عمر می‌گوید: حمام از بهترین نعمتهائی است که نوع انسانی به آن دست یافته است و اصحاب رسول خدا (ص) در حَمَامِ های شام استحمام کرده‌اند.

مشتریان حمام باید از مصرف بیش از حد آب خودداری کرده و به قدر احتیاج خود اکتفاء نمایند و محتسب باید حَمَامِ داران را دستور دهد تا حَمَامِ را روزی چند بار جاروب کرده و آن را با آب تمیز - نه آب استفاده شده - بشویند و سنگهای کف حمام را با چیزهای زبری بسایند.

و بر محتسب لازم است که در فواصل کوتاهی به حمام‌ها سری بزند و برحسب جریان مراتب بالا واقف باشد و اگر کسی را دید که عورت خود را نپوشانیده او را به خاطر این کار تأدیب نماید که کشف عورت در اسلام حرام است.

۱۸ □ - حسبہ بر مریبان اطفال

تربیت اطفال از شریف‌ترین شغلها است چنانکه رسول خدا (ص) فرمود:

بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.

بهترین کسانی که بر روی زمین زندگی می‌کنند آموزگاران هستند که هرگاه دین خدا کهنه شود آن را تجدید بنا می‌کنند.

پس معلم باید دارای صلاحیت اخلاقی و عقّت بوده و در کار خود درستکار و خطی زیبا داشته و حافظ قرآن باشد و در ریاضیات وارد باشد و بهتر آن است که متأهل باشد و محتسب نباید بر شخص مجرد اجازه دایر کردن مکتب‌خانه بدهد، مگر آنکه پیرمرد و مشهور به دیانت و صلاح باشد، با همه اینها در صورتی به او اجازه تدریس داده می‌شود که اهلیت او برای این کار ثابت شود.

۱۹ □ - حسبہ برای خدمتگزاران مساجد و مؤذنان

محتسب بر مسجد جمعه‌ها و مساجد عادی نظارت می‌کند و به خدمتگزاران آنها دستور می‌دهد، تا همه روزه آنها را جاروب کرده و از گرد و خاک تمیز کنند و حصیرهای آنها را بتکانند و غبار آنها را بگیرند و دیوارهای آنها را دستمال کشیده و چراغهای آنها را بشویند و پس از تمام شدن نماز باید در مسجد را ببندند و از دخول کودکان و دیوانگان و همچنین از



داخل شدن کسانی که می‌خواهند در آنجا غذا بخورند یا بخوابند و یا چیزی بسازند و یا به خرید و فروش مشغول شوند و یا گم شده‌ای را در آنجا بجویند و یا برای صحبت در پیرامون امور دنیوی در آنجا جمع شوند، جلوگیری کند زیرا دستور شرعی وارد شده که از تمام این کارها در مساجد جلوگیری شود و انجام اینها در مساجد مکروه است.

همسایگان مسجد باید جلوتر از دیگران - به مجرد شنیدن اذان - به شرکت در نماز جماعت مبادرت کنند تا بدینوسیله نشانه‌های دینی آشکار و شعائر اسلامی شهرت پیدا کند. و امام جماعت باید مردی، عاقل، و قاری و فقیه بوده و در زبانش لکننت و سنگینی نباشد.

مؤذن هم باید شخصی عادل و ثقة و مورد اعتماد و آگاه به وقت‌های نماز باشد زیرا حضرت رسول (ص) فرموده‌اند:

مؤذن‌ها امین و ائمه جماعت ضامن هستند، خداوند ائمه جماعت را رستگار و مؤذنان را بیخشايد.

محتسب باید مؤذن را مورد آزمایش قرار دهد که آیا اوقات نماز را می‌داند یا نه و کسانی را که نمی‌دانند از اذان گفتن منع می‌کند تا وقتی که یاد بگیرند.

مستحب است که اذان گو، خوش آواز باشد و محتسب باید او را از غناد اذان منع کند و غنا عبارت است از کش دادن صدا و پیچاندن آن در گلو و طرب انگیز کردن آن، محتسب از مؤذن تعهد می‌گیرد که وقتی بالای مناره می‌رود چشمش را پپوشاند و بر خانه‌های مردم نگاه نکند و باید در وقت اقامه نماز غیر از مؤذن کسی بالای مناره نرود.

۲۰۵ - حسب بر وعاظ

بر محتسب واجب است در امور مربوط به واعظان نظارت داشته باشد و برای کسانی اجازه تصدی این امر را بدهد که در میان مردم به دیانت و خیر و فضیلت معروف بوده و بر علوم شرعی و ادبیات آگاهی داشته و حافظ قرآن و سنت رسول الله و مطلع بر اخبار پیامبران و اولیاء و حکایات گذشتگان باشند.

محتسب سؤالاتی در این موارد از وعاظ کرده و آنان را مورد آزمایش قرار می‌دهد و به کسانی که جواب صحیح دادند، اجازه وعظ می‌دهد و گرنه از کار آنان جلوگیری می‌کند، چنانکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) حسن بصری را مورد آزمون قرار داد، پس کسانی که شرایط بالا را نداشته باشند از سخن گفتن در منبر جلوگیری می‌شوند و اگر خودداری نکردند محتسب آنها را تأدیب می‌نماید و کسانی را که مقداری از سخنان وعاظ‌رامی‌داند و از احادیث



و اخبار صلحاء چیزی حفظ کرده و می‌خواهند از این راه تأمین معاش نمایند به آنان اجازه و عطا می‌دهد، بشرط آنکه بر بالای منبر نروند بلکه در پای منبر ایستاده و سخن گویند. زیرا مقام منبر رفتن مرتبه شریفی است و غیر از کسانی که مشهور به شرائط مذکور هستند، دیگران نمی‌توانند بدان مبادرت ورزند.

و در اهمیت و شرافت منبر همین کافی است که رسول خدا (ص) و پس از ایشان خلفاء و امامان بر بالای آن می‌نشستند... پس محتسب چنانکه گذشت نباید به غیر از افرادی که مشهور به دیانت و خیر و فضیلت باشند اجازه منبر رفتن دهد.

و دیگر از شرائط و عطا آن است که برای خدا سخن گوید و در این کار وارد و فعال باشد، مثلاً واعظ جوانی که خود را از نظر لباس پوشیدن و ترتیب سرو وضع بطریقی بیاراید که بخواهد توجه زنان را به خود جلب کند و یا در لابلای سخنانش اشعار زیادی مطرح کرده و حرکات و اشاراتی بدین منظور از خود نشان دهد، از سخن گفتن جلوگیری می‌شود که فساد چنین کاری از صلاحش بیشتر است و این موضوع را از رفتار وی در منبر و برخورد هایش می‌شود فهمید.

و روا نیست که عطا و سخن پردازی را به کسانی جز آنانکه دارای ظاهری آراسته به ورع بوده و قیافه‌ای سنگین و با وقار داشته و در زنی صالحان و نیکوکاران باشند، وا گذاشت و گرنه مردم بیشتر بطرف گمراهی کشیده می‌شوند.

و واجب است مابین مردان و زنان پرده‌ای نصب کنند تا بدین ترتیب از نگاه کردن به آنان جلوگیری نمایند که نگرستن به آنها فساد بیار می‌آورد.

#### ۲۱ □ - حسب بر امراء و والیان و قضات

محتسب باید در مجالس امیران و کارداران حضور به هم رسانده و آنان را به دلسوزی و شفقت به مردم و نیکی بدانان امر کند و احادیثی را که در این مورد از رسول خدا (ص) روایت شده به آنان خاطر نشان سازد که آن حضرت فرمودند:

هر امیری که تصدای امور مسلمین را به عهده گرفته و خیر خواه آنها نبوده و در حسن اداره امور محوله کوشا نباشد وارد بهشت نخواهد شد. و نیز فرموده‌اند:

کسانی که تصدای امور حتی ده نفر را به عهده گرفته‌اند در روز قیامت در حالی که دستهایشان بر گردنشان بسته شده است حاضر می‌شوند و این عمل آنها است که آنان را از این وضعیت رهایی می‌بخشد و یا همچنان در همان حال نگه می‌دارد.



و عمر بن خطاب همواره همراه مأمورین گشت شبانه، گشت می‌زد تا چنانکه برخلی در اداره کشور بر خورد کرد در جبران آن بکوشد و می‌گفت: می‌ترسم اگر چنانکه گوسفندی در فرات تلف شود در روز قیامت حساب آن را من پس دهم.

اهمیت ولایت بر امور مردم محروم بسیار زیاد و مسئولیت آن بسیار مهم است و والی از چنین خطری جان سالم بدر نمی‌برد مگر به وسیله ارتباط با علماء و صلحاء و فضلاء تا به او روش اجرای عدالت را یاد دهند.

و از بزرگترین خصیلت‌هایی که والی را پیش خاصه و عامه مردم موجه و مورد قبول می‌کند، آن است که در مورد اطرافیان و اصحاب و یاران خود نیز، عدالت را مراعات کرده و آنان را همواره و بطور دقیق زیر نظر داشته باشد تا از مردم بیشتر از استحقاق آنان چیزی نگیرند.

محاسب باید کسانی را که در جلسه محاکمه، سبکی می‌کنند و یا بر حکم قاضی خرده گرفته و یا بر آن گردن نمی‌نهند تنبیه تأدیبی نماید.

و اگر ببیند که قاضی بر کسی خشم گرفته و یا بر او دشنام می‌دهد و یا در سخنانش نشانه‌های کینه نسبت به یکی از طرفین دعوا آشکار است، او را از این کار باز می‌دارد و پندش می‌دهد و از خدا می‌ترساند، چون قاضی در حال غضب نمی‌تواند محاکمه بکند و سخن بیهوده نمی‌تواند بر زبان براند و همچنین نمی‌تواند از خود خشونت نشان بدهد و از میان مأمورین و همکارانش نباید جوانان خوش سیم را برای فراخواندن زنان به محاکمه، بفرستد.

۲۲ - محاسب از خرید و فروش آلات و وسائل لهو و لعب جلوگیری می‌کند و فروشنده و خریدار را تأدیب می‌نماید و از کورها و بیماران و اهل تکدی که در سر راهها ایستاده و خواندن قرآن را وسیله گدائی خود قرار داده‌اند جلوگیری می‌کند که شرع مقدس از آن نهی فرموده است.

۲۳ - حسیه بر صاحبان کشتی‌ها و صاحبان مراکب

محاسب باید از بار زدن بیش از ظرفیت بر کشتیها و حرکت آنها موقع وزش بادهای شدت گرفتن آن، جلوگیری کند زیرا در این مواقع، احتمال خطر غرق شدن کشتی وجود دارد و در صورتی که کشتی، مسافران زن و مرد داشته باشد باید قسمت زنان را جدا از قسمت مردان تعیین نماید.

۲۴ - حسیه بر دیگر صنعتگران و کارگران

محاسب باید مراقب طرز کار و وسائل کار آنان و مواد مورد استفاده و محل کار و



مقدار دستمزد و اجرتشان و امثال آنها باشد.

□ ۲۵ - حسب بر نمازهای جماعت و جمعه و اعیاد و طرز اخذ و استفاده از زکوة و خمس و مواقف حج و امثال آن از شعائر و فرائض اسلامی.

محتسب باید امور ذکر شده را زیر نظر بگیرد، بطوری که مردم با نظر اهمیت بدانها بنگرند و این امور بر اساس مقررات و شرائط و آداب تعیین شده از جانب دولت اسلامی انجام گیرند.

و همچنین رسیدگی به امور مالی ناپدید شدگان و کسانی که در مال خود نمی‌توانند تصرف نمایند از قبیل سفیهان و صغیران و دیوانگان از وظائف محتسب به شمار می‌رود.

□ ۲۶ - اجراء پاره‌ای از تنسیهات تأدیبی و تأدیب مرتکبین تخلفات جزئی که ثابت شدن آنها احتیاج به شاهد و گواه و اعتراف پیش حاکم شرع ندارد نیز جزئی از وظائف محتسب بشمار می‌رود.



قسمت اعظم مطالبی که در پیرامون وظائف محتسب گفته شد از کتاب معالم القریه ابن اخوه اقتباس شده بود.

در عصر حاضر این وظائف در میان ادارات و وزارتخانه‌های گوناگونی تقسیم شده است ولی مباشر اجراء و متصدی اکثر آنها شهربانیها و پاسداران و ادارات آگاهی است.

و بیشتر مطالب ذکر شده بلکه همه‌اش را می‌توان از عمومات کتاب و سنت استنباط و استخراج نمود ولی موجب تأسف است که در وضعیت کنونی به علت تراکم کار، وقت تحقیق و بررسی آنها را ندارم و به برادران جوان و فاضل توصیه می‌کنم که به تحقیق این مسائل اهتمام ورزند، زیرا پس از پیروزی انقلاب این مسائل در کشور، مبتلا به مردم ما شده‌اند.

بطوری که استحضار دارید غالباً فقط علماء اهل سنت و نویسندگان آنان به اینگونه مسائل و مسائل حکومت و دولت متعرض شده و آنها را مورد بحث و تحقیق قرار داده‌اند.

و علت آن این است که شیعه و علماء آنان در قرون و اعصار مختلف از حکومت و در اختیار گرفتن قدرت اجتماعی - به جز در مدت زمانی کوتاه - کنار بوده‌اند ولی خوشبختانه در رابطه با این قبیل مسائل روایات زیادی از اهل بیت رسول خدا (ص) وارد شده که کاوش گران در لابلای احادیث زیادی که از آن حضرات نقل شده، می‌توانند آنها را بیینند.



### آداب محتسب و آنچه که براو واجب و سزاوار است

این قسمت را نیز از کتاب «معالم القربه» خلاصه کرده ایم.

\* ۱ - اولین چیزی که بر محتسب واجب است آن است که باید به آنچه که می‌داند عمل کند و گفتار او مخالف کردارش نباشد که خداوند تبارک و تعالی در مقام سرزنش بنی اسرائیل می‌فرماید:

آتَمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُرِّ وَتَسُونُ أَنْفُسَكُمْ<sup>۱</sup>

آیا مردم را به تقوا و پرهیزکاری می‌خوانید و خودتان را فراموش می‌کنید.

و از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمودند:

در شب معراج مردانی را دیدم که لبهای آنها را قیچی کرده بودند از جبرئیل پرسیدم که اینها کیانند؟ گفت: از سخن گویان و خطباء امت توهستند آنانکه مردم را به تقوا خوانده و خود عمل نکرده‌اند.

\* ۲ - بر محتسب واجب است که در مقام گفتار و کردار، خداوند و رضای او را در نظر داشته و چنان خلوص نیتی داشته باشد که در اندیشه‌اش هرگز ریاء و جدل راه پیدا نکرده باشد و در دوران ریاست، بر مردم فخر نفرشد و با هم‌تایان خود در تکبر و تفاخر مسابقه نگذارد تا بدین وسیله در میان مردم مورد قبول و موفق بوده و خداوند، هیبت و جلالت او را در دل‌های مردم بیاندازد تا مردم از جان و دل از او امر و اطاعت کنند. رسول خدا (ص) فرموده‌اند: کسی که از غضب مردم نترسیده و رضای خدا را جلب کند، خداوند او را از شر مردم حفظ کند و کسی که از غضب خدا نترسیده و به دنبال جلب رضایت مردم باشد، خداوند او را به آن وامی‌گذارد. و کسی که رابطه خود را با خداوند نیکو دارد خداوند رابطه فیما بین او و مردم را نیکو می‌دارد و کسی که باطن خود را اصلاح کند خداوند ظاهری را اصلاح و او را محبوب القلوب می‌گرداند و کسی که برای آخرتش کار کند خداوند اداره امور دنیوی او را به عهده می‌گیرد.

\* ۳ - محتسب باید روش و سیره رسول خدا (ص) را در نظر داشته و رفتار و آداب خود را با آنها تطبیق دهد مثل کوتاه کردن شارب و گرفتن ناخن و پاکیزه نگاه داشتن لباس و کوتاه کردن آن که به زمین کشیده نشود و خود را با مشک و امثال آن معطر کند و همه آداب شرعی و مستحبات آن را مراعات نماید، علاوه بر اینکه باید واجبات و مستحبات شبانه روزی را نیز





عامل باشد.

\* ۴ - و یکی دیگر از شرایط لازم محاسب، آن است که به اموال مردم چشم داشت نداشته و از قبول هدیه و پیشکش از کسبه و ارباب صنایع امتناع ورزد که این خود نوعی رشوه است برای اینکه رسول خدا (ص) فرموده است:

خداوند رشوت دهنده و رشوت گیرنده را لعنت کند.

برای اینکه خودداری از این کارها آبروی او را بهتر حفظ می‌کند و ابهت او را بهتر قوام

و دوام می‌بخشد.

\* ۵ - و از آداب محاسب، کم کردن دلبستگی (به دنیا) است، از بعضی مشایخ روایت شده که گربه‌ای داشت و هر روز از قصاب، چیزی برای گربه‌اش می‌گرفت. روزی اطلاع پیدا کرد که قصاب مرتکب خطائی شده اول به خانه رفت و گربه را آزاد کرد و سپس پیش قصاب آمد و او را مورد تعقیب قرار داد، قصاب به او گفت که دیگر چیزی برای گربه‌ات نخواهم داد، پیرمرد گفت پس از راندن گربه و بریدن طمع، تورا تحت پی گرد قرار داده‌ام.

و او را سزاوار است که نوکران و دستیارانش را نیز به رعایت این شرایط ملزم نماید،

زیرا بیشتر آنها ماتی که متوجه محاسب می‌شود از طریق نوکران و دستیارانش می‌باشد.

\* ۶ - محاسب باید از موضع رفاقت و نرمش در سخن گفتن و گشاده‌روئی و

سهل‌گیری در مقام امر و نهی با مردم در تماس باشد زیرا این رویه در حصول به مقصود و جلب قلوب بسیار مؤثر است زیرا خدای تبارک و تعالی خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِيُنْت لَهْمُ وَلَوْ كُنْتَ قَطًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ<sup>۱</sup>

ای پیامبر، بواسطه رحمت خدا، نسبت به مردم مهربان و خوشخو گشتی و اگر سخت گیر و سخت دل بودی، مردم از دور تو پراکنده می‌شدند.

و برای اینکه سخت‌گیری در کنترل مردم، چه بسا آنان را به سوی عصیان و سرپیچی

سوق می‌دهد، چون زورگوئی در موعظه، موجب رنجش دلها است.

حکایت شده که مردی با لحن خشنی مأمون را امر به معروف و نهی از منکر نمود،

مأمون بدو گفت:

خداوند بهتر از تو (موسی و برادرش هارون) را به سوی شخصی بدتر از من (فرعون)

فرستاد و به آنها دستور داد که با او به نرمی سخن گوئید که شاید بدین ترتیب به خود آید و یا از

.....  
۱ - آل عمران / ۱۵۹.



قهر من بترسد.

و برای اینکه انسان با نرم خوئی به آنچه که با خشونت ممکن نیست برسد، می‌رسد. عرض می‌شود: از امام صادق (ص) آمده است: کسی می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر نماید که دارای سه خصلت باشد:  
اول: به آنچه که مردم را امر می‌کند عمل نماید، و از آنچه که مردم را نهی می‌کند خودداری کند.

دوم: در امر و نهی اش، جانب عدالت را رعایت نماید.

سوم: در امر و نهیش، رفق و نرمش از خود نشان دهد.<sup>۱</sup>

\* ۷ - باید حضور دائمی در بازارها داشته و همواره بر بازارها و فروشندگان سرکشی نموده و راهها را بازرسی و مغازه‌ها و وسائل کار آنها، مثل ترازوها و وسائل اندازه‌گیری را بررسی نماید و در کشف و رسیدگی به مواردی که خیانت می‌کنند دقت کافی به عمل آورد، اینکار را باید در شب و روز و در وقت‌های مختلف و بدون اطلاع قبلی آنان انجام دهد و در مغازه‌هایی را که کار بازرسی آنها در هنگام روز به پایان نرسیده باشد لاک و مهر می‌کند تا بعداً بقیه کار بازرسی را انجام دهد و همواره باید دستگیری مورد اعتماد و دانشمند، او را همراهی کند که در اقداماتش به قول او متکی باشد و با همه این احوال به هیچ چیز غیر از آنچه که مستقیماً و به مباشرت خودش بر او روشن می‌شود، نباید اعتماد داشته و در بازرسی از بازارها نباید سهل‌انگاری داشته باشد.

گفته‌اند علی بن عیسی‌ای وزیر به محتسبی در دوران وزارت خود که اغلب اوقات در بغداد در خانه اش می‌نشست و مستقیماً بکار خود رسیدگی نمی‌کرد، نامه‌ای باین مضمون نوشت:

محتسب بودن با خانه‌نشینی سازگار نیست، در بازارها بگرد و خوب به کار و وظائف خود برس تا حقوق دریافتی برایت حلال شود، به خدا اگر در خانه بنشینی خانه را بر سر آتش می‌زنم.

\* ۸ - محتسب را باید همواره در اداره اش یا در حالی که در شهر به منظور بازرسی گشته‌می‌زند نامه رسان و خدمتگزار و دستیار همراهی کنند که این به احترام وی افزوده و هیبت او را بیشتر نشان داده و مردم را برای مطالبه از بدهکاران و گرفتن حششان بیشتر کمک می‌کند.

۱ - وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۱۹.



و در همکاران محتسب، دانش کافی و تسلط بر نفس و اقدام به برقرار نمودن حق و شجاعت مقابله با دشواریها شرط است، محتسب آنان را تأدیب نموده و به خودسازی واداشته و با آنان می‌آموزد که چگونه مقررات داخلی اداره را رعایت نموده و چگونه برای جلب بدهکاران بیرونند و به اشخاصی که به اداره حسبه فراخوانده می‌شوند نگویند که به چه منظوری جلب می‌شوند، تا نتوانند در فکر خود دلائلی بر حقانیت خود آماده کرده و وسیلهٔ رهایی خود را از چنگ قانون فراهم آورند و اگر محتسب، کسی را همراه سلاح و وسائلش فراخواند باید او را به همان حالتی که پیدا می‌کنند به حضور محتسب بیاورند... و کسی از همکاران محتسب نباید دنبال کسی بدون مشورت و اجازه او برود و موقمی که برای احضار کسی راه می‌افتد باید با اراده‌ای آهنین و قدرت نفس شدید اقدام و شخص مورد نظر را هرچه سریعتر حاضر کند که این موجب ایجاد رعب در دل او شده و او را ترسانده و وادار به تسلیم می‌نماید.

حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی :

انقلاب اسلامی ایران تا شهر چشمگیری در توجه ملل دیگر به اسلام و گرایش روزافزون مسلمین به اسلام و تشریف آنها به دین مبین اسلام داشته است، انقلاب اسلامی ایران باعث مسرت و سربلندی مسلمین، در جهان شده است بطوری که مسلمین، مسلمان بودن را برای خود افتخار محسوب می‌کنند...

... اکنون وظیفه ماست که در حفظ انقلاب در داخل کشور بکوشیم که مبادا انحرافی از احکام نورانی اسلام بوجود آید...

۱۲ خرداد ۱۳۶۶